



تاریخ و فرهنگ

History & Culture

Vol. 51, No. 1, Issue 102

سال پنجاه و یک، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۲

Spring & Summer 2019

بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۱۱۶-۱۰۱

DOI: <https://doi.org/10.22067/jhc.v51i1.79511>

مناسبات نمایندگان واتیکان و ارامنه اصفهان در سال‌های ۱۰۱۶ - ۱۱۳۵/ق/۱۶۰۸ - ۱۷۲۲*

اعظم فولادی پناه^۱

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران

Email: fooladi.panah@ut.ac.ir

جواد عربانی

دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه تهران

Email: arabani1981@yahoo.com

دکتر مجتبی سلطانی احمدی

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه پیام نور تهران

Email: soltanim87@gmail.com

چکیده

کوچ ارامنه جلفا به اصفهان در دوره شاه عباس بر پایه سیاست‌های اقتصادی و سیاسی به انجام رسید و پیامدهایی در پی داشت. نگاه ویژه دولت صفوی به ارامنه در کنار سیاست‌های مذهبی تساهل محور شاه عباس در قبال مسیحیان، به تدریج پاپ را متقاعد ساخت که می‌توان از ظرفیت‌های مسیحیان ساکن فلات ایران به‌ویژه ارامنه، در جهت تقویت کلیسای کاتولیک در برابر دولت سنی مذهب عثمانی بهره برد. از این‌رو، فرستادگان ویژه پاپ (کرملیان) از بدو ورودشان به ایران (۱۰۱۶/ق/۱۶۰۸م) همواره به دنبال جلب نظر ارامنه بودند تا آنان را به مسیحیت کاتولیک متمایل سازند. کشیشان کرملی برای تحقق این مهم از راه‌های مختلفی بهره بردند؛ از جمله، آنان با توجه به نقش اقتصادی - تجاری ارامنه جلفا، در دوره‌هایی با همکاری دول اروپایی و برای تطمیع تجار ارمنی جلفا، درصدد ارائه امتیازات تجاری به آنان برآمدند. ارامنه جلفا نیز در ابتدا رویکرد مثبتی به کرملیان داشتند؛ اما پس از چندی، افشای نیت مخفی فرستادگان پاپ، به تقابل ارامنه جلفا با آنان انجامید؛ تقابلی که گاه به اخراج کشیشان کرملیت از جلفا می‌انجامید. نویسندگان در این مقاله برآنند تا مناسبات فرستادگان پاپ با ارامنه جلفا را تحلیل کرده و پیامدهای آن را تبیین کنند.

کلیدواژه‌ها: ارامنه جلفای اصفهان، کرملیان (کارملیت‌ها)، مسیحیت کاتولیک، تبلیغ و تبشیر مسیحی،

امتیازات تجاری.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۲/۱۲؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۸/۰۷/۰۹.

^۱ . نویسنده مسئول

Relationships between Envoys of the Vatican and Armenians of Isfahan in the years 1016 .1135 AH / 1608 -1722 AD

Azam Fuladi Panah (Corresponding Author)

PhD student in History and Civilization of Islamic Nations, University of Tehran

Javad Arbani

MA in Iranian History During Islamic Period, University of Tehran

Dr. Mojtaba Soltani Ahmadi

Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations,
Payam-e Noor University of Tehran

Abstract

The emigration of Armenians living in Jolfa to Isfahan during the reign of Shah Abbas, which was driven by economic and political considerations, gave rise to numerous consequences. The special attitude of the Safavid government to the Armenians along with Shah Abbas's tolerant religious policies towards the Christians gradually convinced the Pope that the capacity of the Christians residing in the Iranian plateau, especially the Armenians, could be exploited to strengthen the Catholic Church against the Sunni Ottoman government. Hence, the special envoys of the Pope (the Carmelite), since their arrival in Iran (1016 AH/1608 AD) constantly strived to persuade Armenians into converting to Catholic Christianity. The Carmelite priests resorted to diverse strategies to accomplish this end. For instance, in light of the commercial-economic role of the Armenians inhabiting in Jolfa, they offered trade concessions and privileges to Armenians in some periods by means of cooperation with the European governments in a bid to lure Armenian businessmen of Jolfa. Initially, the Armenians of Jolfa held a positive attitude to the Carmelite, but soon afterwards, the disclosure of the ulterior motives of the Pope's envoys led to the confrontation of these two. It even culminated in the expulsion of Carmelite priests from Jolfa. The authors of this paper aim to explore the relationship of the Pope's envoys with the Armenian of Jolfa and shed light on its consequences

Keywords: Armenians of Jolfa, Carmelites, Catholic Christianity, Christian Evangelism and Propagation

مقدمه

ارامنه، از جمله اقلیت‌های قومی و دینی ایران، به واسطه اهمیت نقش و جایگاه اقتصادی و اجتماعی‌شان در عصر صفوی مورد توجه بوده‌اند. تاکنون کتاب‌ها و مقالات بسیاری از سوی نویسندگان ارمنی و دیگر نویسندگان ایرانی و خارجی، درباره ارامنه جلفای اصفهان نگاشته شده است؛ اما باید توجه داشت که اکثر این آثار به مناسبات ارامنه جلفا با حاکمیت صفوی و مسلمانان ایران توجه داشته‌اند و یا به اهمیت فعالیت‌های تجاری ارامنه پرداخته‌اند؛ از این رو، کمتر به ارامنه جلفا به‌عنوان، یکی از گروه‌های اجتماعی تاثیرگذار در ایران و مناسبات غیرسیاسی (به ویژه مناسبات اقتصادی) آنان نگریسته‌اند. در این میان، می‌توان به کتاب‌های ارامنه جلفای نو در عصر صفوی اثر شکوه‌السادات اعرابی، تاریخ جلفای اصفهان اثر هاروتون دره‌هانیان، ارامنه ایران: نقش پارادوکسیکال یک اقلیت در فرهنگی غالب^۱ (مجموعه مقالات) اثر خسرو شاکری‌زند^۲، ابریشم شاه در مقابل نقره اروپا اثر اینا باقدیان‌تنز^۳ و یا مقالات «مسیحیان در ایران عصر صفوی»^۴ اثر رودی مته^۵ و «اقلیت‌های اصفهان: جامعه ارامنه اصفهان طی سال‌های (۱۵۸۷-۱۷۲۲م)»^۶ اثر وارتان گریگوریان^۷ اشاره کرد. بنابراین، آثار یگانه‌ای که به موضوع مناسبات ارامنه و گروه‌ها و مبلغان کاتولیک خارجی پرداخته باشد، به چشم نمی‌خورد و با توجه به اهمیت مسأله تبشیر در میان ارامنه، نه تنها در عصر صفوی بلکه در دوران قاجار، پژوهش در این زمینه کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله سعی شده است فراز و فرود روابط ارامنه جلفای اصفهان با مبلغان کرم‌لیت که نمایندگان ویژه پاپ در ایران عصر صفوی بوده‌اند، مورد بررسی قرار گیرد و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی پیامدهای مناسبات مذکور تبیین شود.

نگاه مثبت حاکمان صفوی به ارامنه به دوران سلطنت شاه اسماعیل بازمی‌گردد^۸؛ اما ارامنه جلفای اصفهان در ۱۰۱۳ ق از سوی شاه عباس اول به ایران کوچانده شدند و می‌توان گفت که پس از این دوره،

1. Cosroe Chaqueri, *The Armenians of Iran: The Paradoxical Role of a Minority in a Dominant Culture* (Cambridge: Harvard Center for Middle Eastern Studies, 1998).

2. Cosroe Chaqueri

3. Ina Baghdiantz McCabe, *The Shah's silk for Europe's silver, The Eurasian Trade of the Julfa Armenians in Safavid Iran and India (1530-1750)* (Atlanta: University of Pennsylvania Armenian Texts and Studies, 1999).

4. "Christians in Safavid Iran: Hospitality and Harassment"

5. Rudi Matthee

6. "Minorities of Isfahan: The Armenian Community of Isfahan 1587-1722", *Iranian Studies*, vol.7, No.3/4, Studies on Isfahan: Proceedings of the Isfahan Colloquium, Part II (Summer-Autumn, 1974): 652-680.

7. Vartan Gregorian

8. Rudolph (Rudi) Matthee, "Christians in Safavid Iran: Hospitality and Harassment", *Studies on Persianate Societies*, vol.3 (Delhi: Manohar, 2008): 12.

نفوذ و حضور مسیحیان در حکومت صفوی پررنگ تر شد. از این رو، شاه عباس اول به مقررات مرسوم که مبتنی بر تعصبات سختگیرانه مذهبی بودند، پشت پا زد و با ارامنه مناسباتی برقرار کرد.^۱ شاه عباس همچنین در جهت تساهل و تسامح با ارامنه و گرجیان، برخی از روحانیان عالی قدر آن دوران همچون شیخ بهایی را با خود همراه کرد تا بدان وسیله، محیطی دوستانه برای مسیحیان ارمنی تازه وارد به ایران فراهم آورد.^۲ اقدام شاه عباس در کوچاندن اجباری گروه زیادی از ارامنه جلفا در نزدیکی رود ارس و اسکان آنان در «جلفای جدید» در حومه اصفهان را شاید بتوان به نوعی یک اقدام جنگی تصور کرد و در راستای سیاست زمین‌های سوخته پنداشت. مشابه این کار را سلاطین دیگر نیز انجام داده بودند. برای مثال، سلجوقیان اقوام مسیحی را به کوچ گروهی و ادار می‌کردند و آنان را به سرزمین‌هایی می‌بردند که چندان توسعه یافته نبود. آنان از این اقوام برای آبادانی و توسعه این سرزمین‌ها استفاده می‌کردند؛^۳ اما ارامنه جلفا که غالباً تاجرپیشه بودند، به واسطه خدمات اقتصادی خویش، از جایگاه ویژه‌ای نزد شاه عباس و دیگر شاهان صفوی برخوردار بودند؛ چنانچه پیتر و دلواله^۴ نیز در گزارش‌های خود آورده است که رابطه ارامنه جلفا با شاه عباس همانند ارتباط مردم ژن (جنوا)^۵ با پادشاه اسپانیاست؛ کسانی که امورات‌شان بدون شاه نمی‌گذرد و شاه نیز از نبود آنان زیان می‌بیند.^۶

همزمان با سیاست‌های مذهبی شاه عباس در قبال اقلیت‌های دینی در این دوره، ما شاهد ورود مبلغان کرملی به ایرانیم. کرملیان در واقع نمایندگان پاپ و دربار واتیکان بودند که بنا به فرمان پاپ کلمنت هشتم به ایران اعزام شدند. آنان بیش‌تر در جهت یاری مسیحیان ساکن در ایران به دربار شاه آمدند و در ایران استقرار یافتند، نه برای امور حکومتی و سیاسی. بنابراین، شاه و مردم ایران آنان را محبوب‌تر از دیگر مبلغان پنداشته و به آنان اعتماد بیشتری داشتند. البته نباید از نظر دور داشت که از جمله اهداف پاپ از اعزام پدران کارملیت به ایران، تبلیغ مذهب کاتولیک در میان مسیحیان شرقی غیرکاتولیک مانند ارامنه و آشوریان و حتی در میان مسلمانان شیعی ایران و نیز جلوگیری از مسلمان شدن مسیحیان ایران به ویژه ارامنه بوده است. از این رو، باید بر این نکته اذعان داشت که کرملیان همواره در صدد تغییر مذهب ارامنه و تشویق آنان

1. Ina Baghdiantz McCabe, *The Armenian merchants of New Julfa. Some aspects of their international trade in the late seventeenth century*, Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in the Graduate School of Arts and Sciences, Colombia University, 1993, ProQuest, 34-5; Matthee, "Christians in Safavid Iran: Hospitality and Harassment", 17.

2. Matthee, "Christians in Safavid Iran: Hospitality and Harassment", 20-21

3. Idem, 21

4. Pietro Della Valle

5. Genoa

۶. پیتر و دلواله، سفرنامه پیتر و دلواله، ترجمه محمود بهرزی (تهران: قطره، ۱۳۸۰ش)، ۱۰۶/۲.

در جهت گرایش به مذهب کاتولیک بودند و برای این منظور راه‌کارهایی پیشنهاد می‌کردند.^۱ از طرفی، مبلغان کارملیت نیز کمی پس از کوچ ارامنه توسط شاه عباس (۱۶۰۴م/۱۰۱۳ق) یعنی در سال ۱۶۰۸م/۱۰۱۶ق به اصفهان آمدند^۲ و این خود نشانگر دورخیز پاپ در جهت همراه ساختن ارامنه با مسیحیان کاتولیک بود و در تایید آن می‌توان گفت که پاپ در جهت تحقق این هدف در سال ۱۶۱۰م/۱۰۱۹ق نامه‌ای به ارامنه اصفهان نگاشت و آنان را نسبت به پیوستن به کارملیت‌ها ترغیب و تشویق کرد.^۳ پاپ با این راه‌کار می‌توانست کلیسای ارامنه گریگوری^۴ را به کلیسای کاتولیک مبدل ساخته و میان ارامنه ایران و کلیسای کاتولیک رم اتحاد برقرار کند تا خلیفه ارامنه ایران را نیز او برگزیند و همه فرامین او در خارج از سرزمین‌های تحت نفوذ مذهبی‌اش جاری و ساری گردد.^۵

۱- راه‌کارهای پدران کارملیت برای نشر مذهب کاتولیک در میان ارامنه اصفهان

کرملیان پس از اعزام به ایران و استقرار در پایتخت صفوی، برای همراه کردن ارامنه با خود تدابیری اندیشیدند و درباره چگونگی امر تبلیغ در میان آنان راه‌کارهایی را به مجمع مقدس تبشیر ایمان^۶ در رم متذکر شدند و از آن جمله، این‌که برای تبلیغ در میان ارامنه به ۳۳ مبلغ نیاز است: ۲۱ مبلغ برای ماندن در صومعه و اجرای آداب و مناسک دین مسیح، زبان‌آموزی و ترجمه کتب مقدس و ۱۲ مبلغ دیگر برای زندگی در میان ارامنه و موعظه کردن آنان تا بدین‌وسیله، آن‌ها را به راه و رسم مذهب کاتولیک و عقاید اصولی مسیحیت رهنمون سازند.^۷ دیگر راه‌کار مبلغان کارملیت برای گرایش ارامنه به مذهب کاتولیک، ازدواج دختران مسیحی کاتولیک با نجیب‌زادگان ارمنی بود؛ زیرا بدین‌وسیله، شمار بیشتری از ارامنه به مذهب

۱. اسناد پادریان کرملی (بازمانده از عصر شاه عباس صفوی)، به کوشش منوچهر ستوده و با همکاری ایرج افشار (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۳ش)، ۱۹۴-۱۹۵.

A Chronicle of the Carmelites in Persia and the Papal mission of the XVII and XVIII centuries, vol. 1-2 (London: Eyre and Spottiswoode, 1939), 1/166-7.

۲. علی جواهرکلام، جغرافیای تاریخی اصفهان و جلفا (تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۸ش)، ۸۱.

3. *A Chronicle of the Carmelites in Persia*, 1/192.

۴. ارامنه گریگوری (Armenian Gregorian) پیروان کلیسای مرسلین‌اند. این دسته از ارامنه پیشوای مذهبی خود را «گریگور لوساوریچ» (Grigor lusavorich) می‌دانند. این روحانی به اشاعه و ترویج مسیحیت در ارمنستان پرداخت. با کوشش او بود که در سال ۳۰۳م کلیسای بزرگ اجمیادزین در شهر افاشارباد (اجمیادزین کنونی) در جمهوری ارمنستان ساخته شد. این کلیسا بزرگ‌ترین مرکز و حوزه دینی ارامنه و مقر رهبر دینی (جائلیق) آنان است. از این‌رو، گروهی از مردم و برخی از نهادهای رسمی کشورها، ارامنه مرسلی را به‌اشتباه ارامنه گریگوری می‌خوانند؛ این خطا ناشی از آن است که با کوشش گریگور لوساوریچ قدیس بود که مسیحیت در سده ۴م در ارمنستان به‌عنوان دین رسمی پذیرفته شد. گفتنی است که ارامنه گریگوری اکثریت ارامنه ایران را تشکیل می‌دهند. برای آگاهی بیشتر تر نک: آندرانیک هوویان، ارمنیان ایران (تهران: هرمس، ۱۳۸۰ش)، ۱۰۴؛ ژانت لازاریان، دانشنامه ایرانیان ارمنی (تهران: هیرمند، ۱۳۸۲ش)، ۵۳-۵۴.

۵. اسناد پادریان کرملی، ۶۷-۶۸.

6. Sacred Congregation de Propaganda Fide

7. *A Chronicle of the Carmelites in Persia*, 1/166-7.

کاتولیک روی می‌آوردند.^۱

گفتنی است که شاهان صفوی و به‌خصوص شاه عباس اول، با موضوع وحدت میان کلیسای کاتولیک رم و کلیسای ارمنه گریگوری مخالف بودند.^۲ از این رو، زمانی که دول اروپایی و پاپ در خفا به خلیفه ارمنه ایران پیغام دادند که از جانشین پاپ در ایران اطاعت کند، شاه عباس اول مخالفت خود را با این موضوع نشان داد و در جهت آشکار ساختن خشم و ناخرسندی خود نسبت به عملکرد آنان، فرمود که تمامی ارمنه و مسیحیانی که از شاه وام^۳ دریافت کرده‌اند، دیون خود را بی‌درنگ به خزانه شاهی بپردازند و در غیر این صورت، بنا به مقررات، خود و فرزندان‌شان اگر مسلمان نشوند، غلام و برده شاه خواهند شد. در این میان پدران کارملیت و دیگر مبلغان کاتولیک برای متمایل ساختن ارمنه به سوی خویش، مبالغی را تهیه کرده و آن را در میان آنان تقسیم کردند^۴ که سهم پرداختی کارملیت‌ها از این مبلغ، چهارصد سکه طلا بود^۵؛ اما این مبالغ از سوی شاه عباس پذیرفته نشد و به آنان بازگردانده شد؛ از این رو، پدران کارملیت در اجرای این طرح شکست خورده و نتوانستند جلوی مسلمان شدن ارمنه را بگیرند.^۶ با وجود این، پس از مدتی آن دسته از ارمنه‌ای که مسلمان شده بودند، دوباره مسیحی شدند.^۷ پدران کارملیت همچنین در سال ۱۰۳۰/م ۱۶۲۱ق، هنگامی که شاه عباس طی فرمانی مسلمان شدن ارمنه ساکن در دیه‌های بختیاری را خواستار شده بود، در این قضیه مداخله کردند و با همکاری یکی از صاحب‌منصبان ارمنه جلفا به نام خواجه‌وردی^۸ توانستند از مسلمان شدن تعداد زیادی از ارمنه ساکن در آن دیه‌ها جلوگیری کنند.^۹

۲- تأسیس مدارس میسیونری برای مسیحیان ایران از جمله ارمنه

پدران کارملیت به خصوص پدر ژان تاده^{۱۰}، در همان اوایل ورود به ایران، در نظر داشتند که برای ترویج

۱. دلاواله، سفرنامه پیترو دلاواله، ۸۷۹/۱.

۲. Francis Richard, "Carmelites in Persia" in *Encyclopedia Iranica*, vol.4 (London and New York: Routledge & Kegan Paul, 1990), 832.

۳. در هنگام کوچ ارمنه به جلفا در سال ۱۰۱۳ق/۱۶۰۴م شاه عباس مبلغی را به صورت سکه طلا یا ابریشم به عنوان وام جهت مساعدت به آنان اعطا کرد؛ مشروط بر این که خود و فرزندان‌شان در صورت عدم پرداخت وام در گرو دولت قرار گیرند و اگر در موعد معین از عهده پرداختن اقساط آن برنمی‌آمدند، غلام و بنده شاه شده و اگر شاه فرمان می‌داد باید مسلمان می‌شدند (نصرالله فلسفی، زندگانی شاه عباس اول (تهران: علمی، ۱۳۷۵)، ۱۱۹/۳).

۴. فلسفی، زندگانی شاه عباس اول، ۱۱۵۳/۳-۱۱۵۴؛ *A Chronicle of the Carmelites in Persia*, 1/207.

۵. *A Chronicle of the Carmelites in Persia*, ibid.

۶. Ibid.

۷. فلسفی، زندگانی شاه عباس اول، ۱۱۵۴/۳-۱۱۵۴؛ *A Chronicle of the Carmelites in Persia*, 1/207-8.

۸. Khwājeh Virdī

۹. Richard, "Carmelites in Persia", 832; *A Chronicle of the Carmelites in Persia*, 1/255-7.

۱۰. John Thaddeus

مسیحیت، مدرسه‌ای میسیونری برای ارامنه، گرجیان^۱ و چرکس‌ها^۲ تأسیس کنند و برای تحقق این هدف، به صاحب‌منصبان کلیسای کاتولیک رم پیشنهاد دادند تا بردگانی را از اقوام مختلف ساکن در ایران، از سنین کودکی خریداری کنند و آداب و عقاید مذهب کاتولیک و اصول اساسی تبلیغ مسیحیت را در اصفهان به آنان آموزش داده و سپس آنان را برای تعالیم بیش‌تر، به رم بفرستند تا در سنین بالاتر از آنان به‌عنوان مترجم و مبلغ مسیحیت در ایران بهره‌برده شود. ارائه این پیشنهاد بدین منظور صورت پذیرفت که شاه عباس با انجام چنین عملی از سوی پدران کارملیت، مخالفتی نمی‌کرد؛ زیرا برپایه قوانین عرفی برده‌داری غلام و برده باید دین صاحب خود را اختیار کند.^۳ بنابراین، کارملیت‌ها همواره در جهت تحقق اهداف پاپ در زمینه تبلیغ مسیحیت در ایران، اهداف بلندمدتی را در ذهن می‌پروراندند. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که با اعطای خودمختاری مذهبی به ارامنه در امور مذهبی، به تدریج جلفا به یکی از مراکز فرهنگی ارامنه تبدیل شد و از سال ۱۶۳۰م/۱۰۴۰ق اولین مدارس عالی در حوزه اقتصاد و تجارت در جلفا تحت نظارت افرادی چون خاچاتور گساراتسی^۴ تأسیس شدند.^۵ با وجود این، پدران کارملیت به‌خصوص در دوره حاکمیت شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ق/۱۶۴۲-۱۶۲۹م) سعی داشتند که زبان لاتینی را به فرزندان ارامنه بیاموزند، تا از این طریق، عقاید مذهب کاتولیک را به آنان آموزش دهند؛ زیرا ترویج مذهب کاتولیک در میان والدین آنان دشوارتر می‌نمود. گفتنی است که در این دوران ارامنه با کارملیت‌ها رفتار محبت‌آمیزی داشتند؛^۶ چنانچه طبق گزارش‌های کارملیت‌ها، ارامنه به کلیسای پدران کارملیت رفت‌وآمد کرده و اجازه می‌دادند فرزندان شان به مدرسه آنان بروند.^۷

۱. گرجیان (Georgian) از جمله پیروان کلیسای شرق بودند که در سرزمین گرجستان اقامت داشتند. آنان از اوایل دوره صفویه به عنوان برده خریداری شده و به ایران آورده می‌شدند و سپس مسلمان شده و مردان‌شان در سپاهی گری و قشون و زنان‌شان به عنوان کنیز در خدمت شاهان صفوی بودند. گفتنی است که الله وردی خان، حاکم شیراز، یکی از همین بردگان گرجی بود (دلاواله، سفرنامه پیتر و دلاواله، ۷۵۱/۱، ۷۶۴؛ David Thomas & John Chesworth, *Christian-Muslim Relations, A bibliographical history*, Vol.10 (Ottoman and Safavid Empire 1600-1700), (Leiden: Brill, 2017), 552-3).

۲. چرکس‌ها (Circassians) از پیروان کلیسای شرق بودند که بیش‌تر در نواحی سواحل دریای خزر تا شهر آستاراخان در نزدیکی مصب رود ولگا ساکن بودند؛ اما آنان غالباً بردگانی بودند که توسط شاه عباس خریداری و به ایران آورده شده و به دین اسلام می‌گرویدند. مردان‌شان در امور نظامی به کار گرفته می‌شدند و زنان‌شان نیز به عنوان کنیزان دربار خدمت می‌کردند (دلاواله، سفرنامه پیتر و دلاواله، 597/۱، ۷۶۴).

3. *A Chronicle of the Carmelites in Persia*, 1/165.

4. Khachatur Kesaratsi

۵. آرمن حق نظریان، کلیساهای ارامنه جلفای نو اصفهان، ترجمه نارسیس سهرابی ملا یوسف (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵ش)، ۱۸.

Vartan Gregorian, "Minorities of Isfahan: The Armenian Community of Isfahan 1587-1722", *Iranian Studies*, Vol.7, No.3-4, Studies on Isfahan: Proceedings of the Isfahan Colloquium, Part II (Summer-Autumn, 1974): 667.

6. *A Chronicle of the Carmelites in Persia*, 1/165.

7. Idem, 234.

۳- همکاری ارامنه جلفا و پدران کارملیت در چاپ کتب مسیحیت

با توجه به سیاست‌های تساهل‌گرایانه شاه عباس نسبت به مبلغان کارملیت و سایر اتباع اروپایی در ایران، در این دوره ارامنه جلفا نسبت به مبلغان کارملیت رویکردی تعاملی داشتند.^۱ از این رو، پس از اینکه در سال ۱۶۲۹م/۱۰۳۸ق اولین دستگاه چاپ ایرانی، در صومعه کارملیت‌ها در اصفهان، زیر نظر شاه عباس راه اندازی و برخی از ادعیه و اذکار مسیحی و انجیل و تورات به دو زبان عربی و فارسی چاپ شد^۲ (متأسفانه نمونه‌ای از این آثار در دست نیست^۳)، به نظر می‌رسد در اثر روابط نزدیک ارامنه جلفا و پدران کارملیت^۴ اولین کتاب‌ها در ایران به سرپرستی خلیفه خاچاطور گساراتسی در کلیسای وانک جلفای اصفهان و در سال ۱۶۳۸م/۱۰۴۷ق منتشر شد.^۵

۴- زمینه‌سازی برای تجارت ارامنه با مناطقی از اروپا

مبلغان کارملیت تقریباً از دوران حاکمیت شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ق/۱۶۶۶-۱۶۴۲م) سیاست‌های جدیدی را برای گسترش مذهب کاتولیک در میان ارامنه در پیش گرفتند. طبق گزارش‌هایی که پدران کارملیت به رم ارسال داشتند، آنان بیان کردند که اکثریت ارامنه جلفای اصفهان و به خصوص تجار ارمنی تمایل دارند به اروپا سفرکنند و نیز آنان مشتاقانه حقایق مذهب کاتولیک را می‌پذیرند؛ زیرا آنان از سراسقف و کشیشان خود ناراضی‌اند و تنها مشکل اصلی آنان ترس و واهمه‌ای است که از مردم و مقامات حکومتی دارند^۶؛ از این رو، برای حل این مشکل به صاحب‌منصبان کلیسای کاتولیک رم پیشنهاد دادند که زمینه‌های

۱. شکوه السادات اعرابی هاشمی، ارامنه جلفای نو در عصر صفوی (تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۴ش)، ۲۵۳؛

A Chronicle of the Carmelites in Persia, 1/378.

2. Rosemary Virginia Lee, *A Printing Press For Shah `Abbas: Science, Learning, and Evangelization in the Near East, 1600-1650*, (A Dissertation presented to the Graduate Faculty of the University of Virginia in Candidacy for the Degree of Doctor of Philosophy), 2013, ProQuest, 24, 204-205.

۳. فلسفی، زندگانی شاه عباس اول، ۹۶۷/۳؛ حسین میرزا گلپایگانی، تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران (تهران: گلشن، ۱۳۷۸ش)، ۹؛

A Chronicle of the Carmelites in Persia, 1/306; Richard, "Carmelites in Persia", 833; Willem Floor, "Çâp", in *Encyclopedia Iranica* (London & New York: Routledge & Kegan Paul, 1990), 760-764; Willem Floor, "The First Printing-Press in Iran", *Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft*, vol. 130 (1980): 370.

۴. باقرعلی عادل فر، مسیحیان در ایران دوره صفویه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: احسان اشراقی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰ش، ۶۹-۷۰.

۵. اسماعیل رانین، ایرانیان ارمنی (تهران: بی‌نا، ۱۳۲۹ش)، ۱۵۹؛

Gregorian, "Minorities of Isfahan: The Armenian Community of Isfahan 1587-1722", 667-8.

۶. با تحولاتی که پس از معاهده ذهاب بین ایران و عثمانی (۱۶۳۹م) رخ داد، دیگر منافع دربار صفوی با منافع تجار ارمنی جلفای جدید و به طور کلی، با منافع ارامنه و مسیحیان همگرایی نداشت. ارامنه جلفا همچنان به ادامه تجارت خود با اروپا ادامه دادند؛ اما از آن‌جا که شاه دیگر توجهی به جبهه غربی نداشت، علاقه‌اش به ارامنه به عنوان واسطه، زبان‌شناس و دیپلمات رو به کاهش نهاد. از این رو، جایگاه این دسته از ارامنه در اصفهان تضعیف شد (Matthee, "Christians in Safavid Iran: Hospitality and Harassment", 28).

لازم برای ایجاد یک تجارت گسترده میان ارامنه با بخش‌هایی از اروپا مانند ونیز^۱، لکهورن^۲، مارسسی^۳ را فراهم کنند و برای تحقق این هدف، نمایندگانی را برگزیده و در جلفا استقرار دهند.^۴ بدین سان پدران کارملیت از یک سو می‌توانستند در جلفا مستقر شده و به فعالیت‌های تبلیغی در میان ارامنه بپردازند و از سویی دیگر در منافع حاصل از تجارت ارامنه در اروپا شریک شوند.^۵ گفتنی است که به دنبال قتل ساروتقی خان^۶ در ۱۶۴۵م/۱۰۵۵ق و کاهش اقتدار ملکه مادر (آنا خانم) که حامی ارامنه بود، آنان حامیان درباری خود را در این زمان از دست دادند و برخی از آنان به ناچار تغییر دین داده و برخی دیگر به سختی‌های اقتصادی دچار شدند.^۷ بدین ترتیب صاحب منصبان کلیسای کاتولیک رم در سال ۱۶۴۵م/۱۰۵۵ق فرمانی صادر کردند مبنی برآنکه پدران کارملیت پایگاهی را در جلفا تأسیس کنند و پاپ نیز همزمان، با شاه عباس دوم در این رابطه مکاتباتی کرد و مبلغان کارملیت بدین طریق فعالیت‌های تبلیغی خود را در جلفا افزایش دادند؛^۸ اما پس از مدتی اوضاع به ضرر پدران کارملیت تغییر کرد، چراکه در سال ۱۶۵۴م/۱۰۶۴ق ارامنه جلفا ضمن عرایضی که به شاه عباس دوم ارسال کرده بودند، خواهان اخراج کارملیت‌ها و سایر مبلغان کاتولیک از جلفا شدند و آنان در این عرایض بیان کردند که مبلغان کارملیت سعی دارند تا مسلمانان را مسیحی کنند و همین دلیل کافی بود تا کشیشان کارملیت از جلفا اخراج شوند و بدین ترتیب، آنان از جلفا اخراج شدند. ارامنه جلفا ابتدا گمان می‌کردند که پدران کارملیت تنها برای آموزش زبان‌های لاتینی به فرزندان‌شان، به داشتن پایگاهی در جلفا تمایل دارند؛ اما هنگامی که متوجه فعالیت‌های تبلیغی آنان شدند، جهت اخراج آنان از جلفا با شاه مکاتبه کردند و سرانجام توانستند آنان را بیرون برانند.^۹ بدین ترتیب با آگاهی ارامنه جلفا از نیت حقیقی پدران کارملیت، رفتار تساهل‌گرایانه ارامنه با کارملیت‌ها، جای خود را به خصومت و خشونت داد.

1. Venice

2. Leghorn

3. Marseilles

۴. باید توجه داشت که تجار ارمنی در قرن ۱۷م با سرزمین‌های بسیاری از اروپا و آسیا چون هلند، روسیه، لهستان، سوئد، آلمان، اندونزی (جاوا) و فیلیپین تجارت می‌کردند (9-668, "Minorities of Isfahan: The Armenian Community of Isfahan 1587-1722", Gregorian).

5. *A Chronicle of the Carmelites in Persia*, 1/375.

۶. میرزا محمدتقی مشهور به ساروتقی یا ساروخواجه از جمله وزرای اعظم (اعتماد الدوله) در دوره حاکمیت شاه صفی و شاه عباس دوم بود که سرانجام در ۱۰۵۵ق به توطئه برخی از درباریان شاه عباس دوم به قتل رسید. برای آگاهی بیش‌تر نک: نصرالله فلسفی، «سرگذشت ساروتقی»، در هشت مقاله تاریخی و ادبی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۰ش)، ۱۳۱-۱۵۵؛ همو، زندگانی شاه عباس اول، ۳/۶۰-۶۲.

۷. سوسن بابایی و دیگران، غلامان خاصه؛ نخبگان نوحاسته دوران صفوی، ترجمه حسن افشار (تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۰ش)، ۹۹.

8. *A Chronicle of the Carmelites in Persia*, 1/376.

9. Idem, 1/379; Ina Baghdiantz McCabe, *The Shah's silk for Europe's silver; The Eurasian Trade of the Julfa Armenians in Safavid Iran and India (1530-1750)*, (Atlanta: University of Pennsylvania Armenian Texts and Studies, 1999), 181.

۵ - گسترش فعالیت‌های مبلغان کارملیت در جلفا و واکنش قهری ارامنه نسبت به آن

در سال ۱۶۸۳/۱۰۹۳ق یکی از پدران کارملیت و سراسقف کاتولیک‌های اصفهان به نام الیاس^۱ بنا به درخواست خاندان شاریمان (شاهریمان)^۲ به جلفا عزیمت کرده و در آنجا مستقر شد و پس از مدتی با مساعدت‌های مادّی و معنوی خاندان مذکور در همان سال توانست مدرسه و نمازخانه کوچکی را در جلفا تأسیس کند. همچنین او در سال ۱۶۸۴/۱۰۹۵ق فرمانی را از شاه سلیمان دریافت کرد که طی آن، پدران کارملیت اجازه یافتند در هر جایی از قلمرو پادشاهی صفوی مستقر شده و آزادانه به فعالیت‌های مذهبی خود بپردازند. این‌گونه کارملیت‌ها با مساعدت‌های برادران شاریمان توانستند در سال ۱۶۹۱/۱۱۰۲ق خانه‌ای را جهت استقرار خود در جلفا خریداری کنند و پس از مدت کوتاهی، کلیسایی^۳ را در این مکان برپا ساختند.^۴ بدین‌سان کارملیت‌ها فعالیت‌های تبلیغی خود را در جلفا گسترش دادند و طبق گزارش‌های آنان سالانه ۸۰ پسر - که غالباً فرزندان ارامنه بودند - در مدرسه پدران کارملیت در جلفا آموزش می‌دیدند. در این مدرسه درس‌هایی چون گرامر زبان لاتینی، منطق و الهیات تدریس می‌شد. به‌علاوه، مراسم مذهب کاتولیک نیز به‌صورت مرتّب در کلیسای کارملیت‌ها در جلفا برگزار می‌شد.^۵

ارامنه جلفا از همان ابتدا تمایل نداشتند که کاتولیک‌ها در جلفا کلیسایی داشته باشند؛ زیرا شاه عباس اول هنگام بنای جلفا و انتقال ارامنه مقیم ارمنستان به این منطقه تصریح کرده بود که هیچ ملت دیگری غیر

1. Elias of S. Albert

۲. خاندان شاریمان یا شاهریمانیان (Sharremāniān) (Sceriman) از پیروان متعصب کلیسای کاتولیک بودند و همواره به آن یاری می‌رساندند. آنان از ثروتمندترین تجار ارمنی بودند. بزرگ این خاندان، آقامراد، توسط شاه عباس از ارمنستان به جلفای اصفهان کوچانده شد. دو فرزند وی، آقا نظر و آقا شاهییمان بودند و این خاندان از طریق شاهییمان تداوم یافت. سارهاد (Sarhat) پسر شاهییمان ثروت این خانواده را دوچندان کرد. این خاندان تجارت گسترده‌ای با اروپا و به‌ویژه با ونیز داشتند. خواجه سارهاد در سال ۱۶۴۶م مذهب کاتولیک را پذیرفت و چند دهه پس از آن در سال ۱۶۸۴م یازده تن دیگر از اعضای این خاندان کاتولیک شدند و از این پس، آنان از حامیان مذهب کاتولیک در جلفا بودند و حتی در دوره شاه سلطان حسین در برابر فشارهای تعصبات ضد کاتولیک ایجادشده در اصفهان مقاومت کردند؛ اما سرانجام تعداد زیادی از اعضای این خاندان در سال ۱۶۹۸م به ونیز مهاجرت کرده و در آن‌جا مستقر شدند. شاهییمان‌ها به‌خصوص در اواخر قرن ۱۷م و ام‌های بزرگی به دولت ونیز دادند و شاید یکی از دلایل مهاجرت آنان به ونیز پیشینه روابط عمیق اقتصادی آنان با این دولت‌شهر بود. گفتمنی است که عمارات این خاندان در بخش شرقی خیابان نظر در جلفا واقع بود که اکنون ویران شده است؛ اما هنوز این مکان به دروازه شاهییمان‌ها معروف است. کلیسای مخصوص شاهییمانان، کلیسای آودیک نام داشت. برای اطلاع بیشتر نک: هاروتون دره‌هانیان، تاریخ جلفای اصفهان، ترجمه لئون گ. میناسیان و م. ع. موسوی فریدنی (اصفهان: زنده رود، ۱۳۷۹ش)، ۸۴-۸۳، ۵۹۵؛ اعرابی هاشمی، ارامنه جلفای نو در عصر صفوی، ۲۴۸؛ Sebouh Aslanian, & Hourri Berberian, "Sceriman Family", in *Encyclopedia Iranica*, July, 20, 2009, http://www.iranica.com/articles/sceriman_family; Baghdiantz, *The Armenian merchants of New Julfa. Some aspects of their international trade in the late seventeenth century*, 208-209.

۳. این کلیسا کلیسای بطریق الیاس مقدس (Holy Patriarch Elias) نام داشت و ظاهراً ارامنه آن را کلیسای «سورپ لوقا» می‌خواندند (دره‌هانیان، تاریخ جلفای اصفهان، ۵۹۵؛ ۱/۴۵۹). (*A Chronicle of the Carmelites in Persia*, 1/459).

4. Giovanni Francesco Gemelli Careri, *Voyage du tour du monde, traduit de l'italien de Gemelli Careri*, (Paris: E. Ganeau, 1719), 98; *A Chronicle of the Carmelites in Persia*, 1/458-9, 2/860-861, 1076-7.

5. *A Chronicle of the Carmelites in Persia*, 2/1078, 1080.

از ارمینیان مجاز به احداث کلیسا در جلفا نخواهد بود. با وجود این، پدران کارملیت نیز مجوز ساخت کلیسای خود را از شاه سلیمان دریافت کردند. از این‌رو، ارامنه جلفا ابتدا تنها به بیان اعتراض به کارملیت‌ها بسنده کردند؛^۱ اما پس از مشاهده پیشرفت روزافزون فعالیت‌های آنان، تعداد زیادی از ارامنه به منزل پدران کارملیت حمله برده و دست به غارت زدند و سفیر لهستان، ایگناتیوس زاپولسکی^۲ پس از اطلاع از این حادثه، افراد مسلح خود را به مقابله با ارامنه فرستاد.^۳ پس از این حادثه، ارامنه جلفا که غالباً ثروتمند بودند و در رساندن پول به مقامات دولتی آزادی عمل داشتند، در مقابله با کارملیت‌ها موفق شدند. بدین ترتیب اسقف استفن^۴ به همراه یکی از روحانیان ارمنی به نام اتین ورتایبه^۵ در تابستان ۱۶۴۹م از بیماری شاه سلیمان استفاده کردند، حدود سه هزار تومان، معادل ۵۷ هزار سکه طلا از ارامنه جلفا گرفته و به رسم هدیه به مادر شاه سلیمان^۶ و چند تن از وزرای متنفذ دربار تقدیم کردند و در مقابل از شاه سلیمان فرمانی دریافت کردند که در نهایت به اخراج کارملیت‌ها از جلفا انجامید.^۷ از طرفی همکاری بین ارامنه کاتولیک (شاریمانیان) و مبلغان مسیحی خارجی باعث شد که مقامات دولت صفویه این گروه از ارامنه را ستون پنجم تلقی کنند. این مسأله یکی از دلایل سختگیری‌ها بر ضد مسیحیان داخل ایران در اواخر عصر صفوی محسوب می‌شود.^۸ بدین سان دیوان بیگی^۹ به دستور شاه، محل اقامت کارملیت‌ها در جلفا را مهر و موم و کلیسای آنان را تخریب کرد و دستور شاه مبنی بر خروج از جلفا را به پدران کارملیت ابلاغ و تأکید کرد در صورت عدم خروج، به پرداخت یک‌صد تومان محکوم خواهند شد.^{۱۰} شایان ذکر است که بعد از این ماجرا ارامنه اصفهان نیز دست به تحریکاتی زدند و ظاهراً در صدد بودند تا فرمانی مبنی بر اخراج تمامی کاتولیک‌ها از ایران دریافت کنند؛ اما سفیر لهستان، ایگناتیوس زاپولسکی، نمایندگان را نزد ورتایبه ارمنی

۱. مخالفت‌های ارامنه با مبلغان کاتولیک تنها به مبلغان کارملیت اختصاص نداشت؛ زیرا ارامنه جلفا با مبلغان ژوزنیت نیز به شدت برخورد کردند و به تقابل با آنان پرداختند (دروهانیان، تاریخ جلفای اصفهان، ۵۹۶-۵۹۷).

2. Ignatius Zapolski

3. Gemelli Careri, *Voyage du tour du monde*, 99.

4. Bishop Estephen

5. Etienne Vertabiet

۶. منطقه جلفای اصفهان به عنوان املاک سلطنتی در اختیار ملکه مادر قرار داشت (Mathee, "Christians in Safavid Iran: Hospitality and Harassment", 31).

۷. دروهانیان، تاریخ جلفای اصفهان، ۵۹۷؛

A Chronicle of the Carmelites in Persia, 1/461-2; Rudolph (Rudi) Mathee, *Persia in Crisis; Safavid Decline and the Fall of Isfahan*, (London, New York: I.B. Tauris, 2012), 195; Thomas, *Christian-Muslim Relations; A bibliographical history*, 663-4; Gemelli Careri, *Voyage du tour du monde*, 99-100.

8. Mathee, "Christians in Safavid Iran: Hospitality and Harassment", 30-31.

۹. دیوان بیگی یکی از ارکان دولت صفوی بود که بر امور قضایی کشور نظارت می‌کرد و تمام قوانین حقوقی و جزایی به دست وی و دستیارانش اجرا می‌شد (فلسفی، زندگانی شاه عباس اول، ۲/ ۸۱۲).

10. Gemelli Careri, *Voyage du tour du monde*, 100-101; *A Chronicle of the Carmelites in Persia*, 1/464-5.

فرستاد و او را تهدید کرد که اگر دست از تحریکات خود بردارد، خبر این دشمنی‌ها را به تمامی پادشاهان کاتولیک جهان ارسال خواهد کرد و تأکید خواهد کرد که آنان در قلمرو حکمرانی شان با ارامنه مقابله به‌مثل کنند.^۱

در این میان پدران کارملیت نیز نامه‌هایی به دربار شاه ایران و پادشاهان مسیحی اروپا و پاپ ارسال کردند تا از اقدامات بی‌سابقه ارامنه ارتدکس و دربار ایران جلوگیری کنند؛ از این‌رو، از ارامنه خواسته شد تا مانع فعالیت‌های مبلغان کارملیت نشوند؛ اما ارامنه باز هم عریضه‌ای به دربار شاه سلیمان و ملکه مادر که به‌عنوان حامی ارامنه جلفا محسوب می‌شد، نوشتند و طی این عریضه، این اتهام را به کارملیت‌ها وارد کردند که آنان قصد دارند، ارامنه را به اطاعت پاپ و پذیرش مذهب کاتولیک وادار ساخته و جوانان ارمنی را به قلمرو دول مسیحی اعزام کنند تا پس از آموزش‌های سیاسی و مذهبی به ایران بازگردند و سرپرستی ارامنه ایران را بر عهده گیرند و از طرفی خانواده‌شاریمان را به جمع‌آوری و ذخیره پول و ارسال آن به پادشاهان دول مسیحی متهم کردند. کارملیت‌ها در این شرایط به ارامنه پیشنهاد صلح دادند و بر پایه این پیشنهاد، ارامنه در مقابل امتیازات و آزادی‌هایی که تجار و روحانیان ارمنی در قلمرو دول مسیحی کاتولیک برخوردار می‌شدند، باید به کاتولیک‌های ایران و مبلغان کارملیت در جلفا حق اقامت داده و به پاپ و مقدسات پیروان کاتولیک توهین نکنند؛ اما ارامنه این پیشنهاد را نپذیرفتند و به مقابله با مبلغان کاتولیک و کارملیت‌ها ادامه دادند و خواهان اخراج قطعی کارملیت‌ها از جلفا شدند؛ از این‌رو، کارملیت‌ها در سال ۱۱۰۵/۱۱۳۵م/۱۶۹۴م مجبور به ترک جلفا شدند.^۲ البته کارملیت‌ها در دوره حکومت شاه سلطان حسین، با اخذ فرمانی از وی توانستند دوباره به جلفا بازگردند^۳؛ اما درگیری‌ها و مخاصمات میان ارامنه اصفهان با کارملیت‌ها پایان نیافت و آنان تا پایان عصر صفوی با این مسأله رو به رو بودند.

ع- کارشنکی‌های مبلغان کارملیت در تجارت ارامنه جلفا با دول مسیحی اروپا

بنابر گزارش‌های کشیشان کارملیت، ارامنه جلفا در دوره حاکمیت شاه سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۵/۱۷۲۲-۱۶۹۴م)، ظاهراً به‌منظور حفظ روابط تجاری خود با حکومت‌های مسیحی اروپا، نمایندگان را به همراه نامه‌ها و هدایایی نزد پادشاهان آن حکومت‌ها فرستادند و از این طریق، درصد بودند تا اقدامات خود برضد پدران کارملیت را توجیه کنند؛ اما از طرفی مبلغان کارملیت نیز برای آشکار کردن حقیقت برای پادشاهان مذکور، شاهدانی را به نزد آنان اعزام کردند تا اقدامات ارامنه جلفا برضد

1. Gemelli Careri, *Voyage du tour du monde*, 101-2.

2. *A Chronicle of the Carmelites in Persia*, 1/464-6, 2/862.

3. *Idem*, 2/1078.

مبلغان کاتولیک و تلاش آنان در جهت اخراج کارملیت‌ها از جلفا و تخریب کلیسای آنان را گزارش دهند. همچنین یکی از کتب توهین‌آمیزی را که ارامنه جلفا برضد مقام پاپ و مذهب کاتولیک منتشر کرده بودند، به همراه شرح و حواشی نوشته شده بر آن، به رم ارسال کردند.^۱

کارملیت‌ها درصدد بودند تا ارامنه را به اطاعت از مقام پاپ متمایل سازند و بر این نکته تاکید می‌کردند که ارائه کمک‌های مالی و سیاسی به ارامنه در ایران و سرزمین‌های مسیحی اروپا باید در مقابل اطاعت آنان از پاپ اعظم باشد و هر ارمنی برای برخورداری از حمایت‌های حکومت‌های مسیحی باید به مذهب کاتولیک ایمان بیاورد. پیشنهاد پدران کارملیت به صاحب‌منصبان کلیسای کاتولیک رم این بود که در صورت عدم اعتقاد ارامنه به کلیسای کاتولیک رم، دوک ونیز و فلورانس و دول اروپایی که با ارامنه دادوستد تجاری داشتند یا ارامنه در قلمرو آنان ساکن بودند، اموال آنان را مصادره کنند.^۲ با وجود این، کارملیت‌ها موفقیت چندانی در تغییر مذهب ارامنه و گرایش آنان به مذهب کاتولیک حاصل نکردند و در این دوره، مخاصمات و درگیری‌ها میان ارامنه و کارملیت‌ها همچنان ادامه داشت؛ زیرا ارامنه از فعالیت‌های تبلیغی کارملیت‌ها و دیگر مبلغان کاتولیک در ایران ناراضی بوده و درصدد جلوگیری از آن بودند.^۳ به هر رو، در سال ۱۷۱۴م/۱۱۲۶ق پاپ به دلیل ایجاد مشکلاتی از سوی ارامنه برای مبلغان کاتولیک در ایران، نامه‌ای به شاه سلطان حسین ارسال کرد و از او درخواست کرد که گستاخی‌های ارامنه را مهار کرده و با تسلط بر آنان، آرامش را به مبلغان و پیروان کاتولیک در ایران بازگرداند.^۴

بنابراین، فعالیت‌های تبلیغی کارملیت‌ها در این دوره، چندان ثمربخش نبود و حتی کارملیت‌ها در این زمان، با مسأله جدیدی روبه‌رو شدند که آن مسلمان شدن تعدادی از پیروان مذهب کاتولیک بود. بدین ترتیب، برخی از ارامنه کاتولیک از جمله تعدادی از اعضای خانواده شاریمان در سال ۱۶۹۷م/۱۱۰۸ق به دین اسلام گرویدند و پدر آنتونیو^۵ از روحانیان آگوستین نیز در همان سال مسلمان شده و حتی به ردیه‌نویسی برضد مسیحیت پرداخت.^۶

1. Idem, 1/475-6.

2. Idem, 1/493.

3. Idem, 1/527.

4. Idem, 1/528.

5. Fr. Antonio de Jesus

۶. رسول جعفریان، سیاست و فرهنگ روزگار صفوی (تهران: علم، ۱۳۸۸ش)، ۱۰۰۹-۱۰۰۵/۲، A Chronicle of the Carmelites in Persia, 1/485-6.

نتیجه

با آن‌که پدران کارملیت، نمایندگان ویژه پاپ در ایران، فعالیت‌هایی در جهت آموزش جوانان ارمنی انجام دادند و تجار ارمنی را برای تجارت بیشتر با دول مسیحی اروپا یاری دادند، به واسطه آگاهی ارمنه جلفا از نیات حقیقی آنان، تعامل و تساهل با مبلغان کارملیت را کنار گذاشتند؛ زیرا دریافتند که غایت نهایی آنان، کاتولیک کردن ارمنه و ایجاد اتحاد میان کلیسای کاتولیک رم و کلیسای ارمنه ارتدکس است. از این‌رو، تقریباً از دوره حاکمیت شاه عباس دوم، نسبت به فعالیت‌های تبشیری کارملیت‌ها واکنش نشان داده و با آنان به مخالفت برخاستند. اوج این مخالفت‌ها به دوره حاکمیت شاه سلیمان بازمی‌گردد؛ زیرا روابط عمیق ارمنه با دربار به خصوص ملکه مادر، باعث شد که خواسته ارمنه که اخراج کشیشان کارملیت از جلفا بود، محقق شود. در این میان، نامه‌های پاپ به شاهان صفوی در جهت تحکیم موقعیت مبلغان کارملیت در جلفا و یا حتی ارائه خدمات تجاری از سوی حکومت‌های مسیحی اروپا و وضع تحریم‌های تجاری برای تجار ارمنه جلفا، تأثیر چندانی در بهبود روابط ارمنه جلفا با مبلغان کارملیت نداشت. بنابراین، علی‌رغم تلاش‌های فراوان پدران کارملیت برای ایجاد اتحاد میان کلیسای کاتولیک غرب و ارمنه گریگوری، موفقیت چندانی در این زمینه حاصل نشد و با روشن شدن نیات حقیقی آنان، ارمنه هیچ‌گاه روی خوشی به آنان نشان ندادند.

فهرست منابع:

- اسناد پادریان کرملی (بازمانده از عصر شاه عباس صفوی). به‌کوشش منوچهر ستوده و با همکاری ایرج افشار. تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۳ ش.
- اعرابی هاشمی، شکوه‌السادات. ارمنه جلفای نو در عصر صفوی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۴ ش.
- بابایی، سوسن و دیگران. غلامان خاصه؛ نخبگان نوحاسته دوران صفوی. ترجمه حسن افشار. تهران: مرکز، ۱۳۹۰ ش.
- جعفریان، رسول. سیاست و فرهنگ روزگار صفوی. تهران: علم، ۱۳۸۸ ش.
- جواهرکلام، علی. جغرافیای تاریخی اصفهان و جلفا. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۸ ش.
- حق نظریان، آرمن. کلیساهای ارمنه جلفای نو اصفهان. ترجمه نارسیس سهرابی ملایوسف. تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵ ش.
- دروهانیان، هاروتون. تاریخ جلفای اصفهان. ترجمه لئون گ. میناسیان و م. ع. موسوی فریدنی. اصفهان: زنده‌رود، ۱۳۷۹ ش.

- دلاواله، پیتر. سفرنامه پیتر و دلاواله. ترجمه محمود بهفروزی. تهران: قطره، ۱۳۸۰ ش.
- رائین، اسماعیل. ایرانیان ارمنی. تهران: بی‌نا، ۱۳۲۹ ش.
- عادل‌فر، باقرعلی. مسیحیان در ایران دوره صفویه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: احسان اشراقی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰ ش.
- فلسفی، نصرالله. زندگانی شاه عباس اول. تهران: علمی، ۱۳۷۵ ش.
- فلسفی، نصرالله. «سرگذشت ساروتقی». در هشت مقاله تاریخی و ادبی، ۱۲۹-۱۵۵. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۰ ش.
- گلبایگانی، حسین میرزا. تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران. تهران: گلشن، ۱۳۷۸ ش.
- لازاریان، ژانت. دانشنامه ایرانیان ارمنی. تهران: هیرمند، ۱۳۸۲ ش.
- هوویان، آندرانیک. ارمنیان ایران. تهران: هرمس، ۱۳۸۰ ش.

A Chronicle of the Carmelites in Persia and the Papal mission of the xvii and xviii centuries.
London: Eyre and Spottiswoode, 1939.

Aslanian, Sebouh & Houry Berberian. "Sceriman Family", in *Encyclopedia Iranica*. July 20, 2009, <http://www.iranica.com/articles/sceriman-family>.

Baghdiantz McCabe, Ina. *The Armenian merchants of New Julfa: Some aspects of their international trade in the late seventeenth century*. Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in the Graduate School of Arts and Sciences, Columbia University, 1993.

Baghdiantz McCabe, Ina. *The shah's silk for Europe's silver; The Eurasian Trade of the Julfa Armenians in Safavid Iran and India (1530-1750)*. Atlanta: University of Pennsylvania Armenian Texts and Studies, 1999.

Floor, Willem. "Āp". in *Encyclopedia Iranica*, 760-764. London & New York: Routledge & Kegan Paul, 1990.

Floor, Willem. "The First Printing-Press in Iran". *Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft*, vol. 130 (1980): 369-371.

Gemelli Careri & Giovanni Francesco. *Voyage du tour du monde, traduit de l'italien de Gemelli Careri*. Paris: E. Ganeau, 1719.

Lee, Rosemary Virginia. *A Printing Press for Shah `Abbas: Science, Learning, and Evangelization in the Near East, 1600-1650*. A Dissertation presented to the Graduate

Faculty of the University of Virginia in Candidacy for the Degree of Doctor of Philosophy, 2013.

Matthee, Rudolph (Rudi). "Christians in Safavid Iran: Hospitality and Harassment". in *Studies on Persianate Societies*, vol.3, pp.3-43. Delhi: Manohar, 2008.

Matthee, Rudolph (Rudi). *Persia in Crisis; Safavid Decline and the fall of Isfahan*. London, New York: I. B. Tauris, 2012.

Richard, Francis. "Carmelites in Persia", in *Encyclopedia Iranica*, 832-4. London and New York: Routledge & Kegan Paul, 1990.

Thomas, David & John Chesworth. *Christian-Muslim Relations; A bibliographical history* (vol.10: Ottoman and Safavid Empire 1600-1700). Leiden: Brill, 2017.